



# انترناسیونال ۴۸۵

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن



hekmat.public-archive.net

منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران  
Worker-communist Party of Iran

جمعه ۸ دی ۱۳۹۱، ۲۸ دسامبر ۲۰۱۲ - ۱۴ صفحه

## جنگ باندهای حکومتی و شبح ۸۸

اسلامی هاشمی مورد حمله تند از جانب رسایی یکی از نمایندگان قرار گرفت، حصر کروی و موسوی از جانب خاتمی و عسکراولادی و کاربدستان متعدد حکومت مورد بحث و حمله متقابل قرار گرفت، مرضیه دستجردی تنها وزیر زن دولت از جانب احمدی نژاد برکنار شد، مساله شکست طرح یارانه ها و پرداخت یا قطع یارانه های نقدی همچنان موضوع نزاعهای داغ درون

متعددی کارگزاران امروز و دیروز حکومت دارند به سوی یکدیگر شلیک میکنند. همین یکی دو هفته گذشته، شاهد نامه نگاری تند میان اژه ای دادستان کل حکومت با احمدی نژاد بر سر دزدیهای کلان و بلوکه کردن پولها و تهدید به افشاکاری از جانب احمدی نژاد بودیم. همزمان مساله دستگیری مهدی هاشمی پسر علی اکبر هاشمی و وثیقه چند میلیاردی برای آزادی او داغ شد، در صحن مجلس

ادامه صفحه ۲

## خشم میلیونی در هندوستان علیه سنتهای مردسالار

پس از تجاوز به دختر او را از ماشین به بیرون انداختند. اکنون خیرها از وضع وخیم جسمی این دختر حکایت دارد و گفته میشود شدت جراحات وارده به این دختر به حدی بوده که پزشکان معالجش در

وقوانین مردسالارانه به خیابان آمدند و دست به تظاهرات و اعتراض زدند. ماجرا از این قرار است که روز سه شنبه ۱۸ دسامبر (۲۸ آذر) دختر دانشجوی ۲۳ ساله ای توسط ۶ نفر در یک اتوبوس به طرز فجیعی مورد تجاوز و خشونت قرار گرفت و متجاوزین

ادامه صفحه ۸

## "انتخابات" و تناقض بزرگ جمهوری اسلامی

صفحه ۳

بهروز مهربادی

## همه پرسى در مصر: اقلیت پیروز!

صفحه ۵

خلیل کیوان

## درس مهم ۲۰۱۲



مصطفی صابر

نمود. همه اهمیت آن این بود که از پی انقلابی ترین سال تاریخ تاکنونی بشر، یعنی بدنبال سال ۲۰۱۱ آمد. سال ۲۰۱۱ به نوبه خود عکس العملی جهشی و انقلابی در قبال يك دوره ۴۰- ۳۰ ساله از بسط و گسترش بی سابقه سرمایه داری و ارتجاع و سرکوب و جهل و قهقرا در سطح جهان و تلنبار شدن بن بست ها و بحرانهای اقتصادی و سیاسی بود که ذاتی نظام سرمایه داری است.

لاجرم سوال مهم در پایان سال ۲۰۱۲ مهر وقایع سال پیشتر را بر خود دارد: با گذر یکسال از انقلابات "نان و کرامت" و سقوط دیکتاتورها در خاورمیانه و شمال آفریقا و همچنین جنبش ها و تظاهرات ها و شورش های وسیع ضد سرمایه

سال ۲۰۱۲ به پایان میرسد. این سال را چگونه باید ارزیابی کرد؟ و مبتنی بر این ارزیابی برای آینده چه میتوان گفت؟

گردش زمین به دور خورشید الزاما چیز خاصی در مورد تحولات اجتماعی بر این کره خاکی نمی گوید. این بیش از همه در مورد سال ۲۰۱۲ صادق بود. چرا که مهمترین مشخصه سالی که گذشت همانا این بود که قائم به ذات نبود. مبداء چیز خاصی

ادامه صفحه ۴

## صفحات دیگر

شبح اعتراضات ۸۸ بر فراز انتخابات حکومتی!

محمد شکوهی

پلشتی "فرزاتگان" در سیاست

یاشار سهندی

سردار بی یال و دم و اشکم

فرح صبری

سوریه در هفته ای که گذشت!

محمد شکوهی

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## جنگ باندهای حکومتی و شبج ۸۸



کازم نیکخواه

از صفحه ۱

حکومت است، و نمونه های بسیار دیگر را میتوان ذکر کرد. اینها مربوط به همین چند هفته اخیر است که البته دنباله کشاکشهای بسیار طولانی تری در یکی دو سال اخیر میباشد.

با نگاهی نزدیک تر به نزاعهای درون حکومتی هرکس متوجه میشود که امسال این جنگ و کشاکشها بیش از هر زمان خصلتی اقتصادی و مالی دارد یا عبارت دقیقتر وزن پول و ثروت در نزاعها بسیار افزایش یافته و تعیین کننده شده است. یعنی بحث بر سر دزدیها، ثروتهای کلان، بلوکه کردن پولها، برداشتهای و بدهی های غیر جاری میلیاردی از بانکها، یارانه ها و افشاگری در مورد آنها موضوع محوری اغلب جنگهای درون حکومت است.

هیچگاه در تاریخ جمهوری اسلامی مساله اقتصاد و دزدی اینچنین محوری و فراگیر نشده بود. البته همه میدانند که هرگاه پای خانواده رفسنجانی به میان می آید مساله ثروتهای میلیاردی آنها عمده میشود، حتی در دور قبلی نمایش انتخاباتی حدود ۴ سال پیش نیز احمدی نژاد با اشاره به گوشه ای از ثروتهای رفسنجانی در مناظره تلویزیونی با موسوی، فتیله جنگ را بالا کشید و یا پالیزدار از بذل و بخششهای صدها میلیاردی آیت الله ها و هزینه روزانه ۱۰۰ هزار تومانی هندوانه اسبهای فائزه رفسنجانی و امثال اینها پرده برداشت. اما این بار فقط هاشمی

نیست که بخاطر ثروتهایش مورد حمله قرار میگیرد، همه طرف بحث بر سر دزدی ها و ثروتهای میلیاردی طرف مقابل است. خود دارودسته احمدی نژاد بارها بخاطر دزدیهایشان از ذخایر دولتی مورد افشاگری قرار گرفته اند و متقابلاً باند احمدی نژاد تلاش میکنند با بازی با کارت پرداخت یارانه نقدی به مردم، مخالفین را زیر فشار قرار دهد.

این وضعیت اساساً انعکاسی از گسترش يك جنگ طبقاتی در جامعه علیه اقلیت صاحب ثروتها و سرمایه هاست. فشار فقر و گرانی بر مردم و بویژه کارگران برآستی کمر شکن شده است. با گرانی و بیکاری هرروز فزاینده، تامین ابتدایی ترین سرانه و ساده ترین غذا و پایه ای ترین نیازها، و کلا نفس زندگی و زنده ماندن به موضوع نگرانی بسیاری از افراد تبدیلگر گردیده. اعتراضات و مبارزات اکثریت جامعه علیه اقلیت میلیاردر گسترش و عمق بسیار بیشتری پیدا کرده است. بخش اصلی اعتراضات دو سال اخیر، اعتراضات و اعتصابات کارگران علیه زندگی زیر خط فقر، گرانی، بیکاری، و مساله دستمزدها بوده است. خشم اجتماعی علیه فقر و گرانی بحدی است که بارها از جانب حکومتیان هشدار داده شده است که "فتنه" بعدی فتنه اقتصادی است. و همه میدانند که وقتی اینها از فتنه سخن میگویند منظورشان خیزش انقلابی میلیونی مردم است و دارند از کابوس سال ۸۸ حرف میزنند. و فتنه اقتصادی یعنی اعتصابات و اعتراضات میلیونی کارگران و مردم علیه فقر و گرانی و بیکاری و بی تأمینتی. دقیقاً این فضای اعتراضی در جامعه است که در جنگ و جدال و کشاکش بالایی ها بازتاب می یابد. روشن است که اکثریت مردم نه فقط

نسبت به فقر بلکه نسبت به تمام بی حقوقی ها و سرکوبها و جنایات حکومت در حال اعتراض و مبارزه به اشکال مختلف هستند و انعکاس همه اینها را میشود در صفوف حکومتی ها دید. بویژه این روزها شاهد این هستیم که معضل قتل ستار بهشتی به کابوسی برای تمام حکومت تبدیل شده است و هرکس سعی میکند راهی برای فرار از این جنایت و خشم اجتماعی در مقابل آن جستجو کند. اما همانگونه که اشاره شد با توجه به فشار فزاینده فقر و گرانی و بیکاری، اعتراضات در این زمینه ها جلوتر آمده و ثقل بیشتری پیدا کرده و بخشهای وسیعی از کارگران و مردم را به مبارزه علیه زندگی زیر خط فقر کشانده است. و باندهای حکومت کاملاً این جو اعتراضی را استشمام میکنند و تلاش میکنند انگشت اتهام را به سوی رقبای سیاسی خود نشانه روند.

شکافهایی از همیشه عمیق تر اینک صف بندی های انتخاباتی در سال آینده چگونه صورت گیرد هنوز دقیقاً روشن نیست. میشود مطمئن بود که باند احمدی نژاد سعی میکند هرچه بیشتر بر روی مساله دزدی ها از يك طرف، و پرداخت یارانه های نقدی به تك تك مردم از جانب دولتش متمرکز شود. در حالیکه مجلسی ها از قطع پرداخت یارانه نقدی سخن میگویند، احمدی نژاد از هم اکنون سخن از پرداخت ۲۰۰ هزار تومان ماهانه یارانه نقدی به تك تك افراد را مطرح کرده است و در عین حال تأکید میکند که با وجود مراکز متعدد تصمیم گیری پرداخت یارانه ها عملی نیست و این برگ برنده ای در دست این باند علیه رقبا خواهد بود. معضل این باند اینست که بتواند کاندیدی معرفی کند که توسط "شورای نگهبان" رد صلاحیت نشود. بهررو آنچه قطعی است اینست که علیرغم تلاش جدی خامنه ای برای جلوگیری از بروز علنی جنگ و

کشاکشهای حاد جناحی درون حکومت، این جنگ و نزاعها اکنون از همیشه بیشتر است و دارد بشدت عمیق تر و سازش ناپذیرتر و آشکارتر میگردد. بدون تردید بزودی شاهد کشاکشهای بسیار تندتری میان این باندهای جمهوری اسلامی در پیش چشم مردم خواهیم بود. و با توجه به فضای خشم و اعتراض گسترده در جامعه، میتوان به این نیز مطمئن بود که گسترش بیشتر اعتراضات و مبارزات خیابانی علیه کل حکومت در سطح جامعه نیز در ماههای آتی قطعی است. شکافهایی که درون حکومت سرباز کرده به مردم خشمگین يك بار دیگر این امکان را میدهد که صدای خود را بلند تر کنند و کل حکومت را به مصافی جدی بگیرند.

کل این وضعیت به نوبه خود گویای اینست که فضای مبارزات آتی خصلت طبقاتی تری به خود خواهد گرفت. یعنی جلو آمدن ثقل مبارزات اقتصادی و اعتراض به دزدیها و شکاف میان فقر و ثروت در جامعه، که يك واقعیت عینی در جامعه امروز ایران است، بر متن شقه شدن صفوف حکومت اسلامی، سبب میشود که ثقل حرکتها و اعتراضات و مبارزات کارگری بیشتر شود، مبارزات جنبه طبقاتی تری به خود بگیرد و جامعه از این نظر قطعی تر شود و

اقلیت مولتی میلیاردر و مفتخور بیشتر زیر ضرب قرار گیرد.

يك فاکتور مهم دیگر که بر چگونگی دور بعدی اعتراضات تأثیر انکار ناپذیر خواهد داشت، انقلابات منطقه و کشاکشهایی است که در کشورهای انقلاب کرده مثل مصر و تونس جریان دارد. جدالهای اجتماعی در این کشورها نیز بناچار هرروز دارد خصلت قطعی تر و طبقاتی تری به خود میگیرد. در واقع انقلاب "نان و کرامت انسانی" گرچه هنوز متحقق نشده، اما ناچار است نیروهایش را گرد آورد، و صفوفش را شفاف تر کند و با خواستها و پلاتفرمهای چپ و روشنی دست به تعرض به جنبش ارتجاع اسلامی و دار و دسته های بورژوازی بزند.

میتوان امیدوار بود که در عین حال این وضعیت باعث خواهد شد که فضای مبارزات و اعتراضات کارگری نیز سمت و سوی سیاسی تر و رادیکالتری به خود بگیرد، خواستها فرموله تر و ریشه ای تر علیه حکومت و سرمایه داران بیان شود و کل اعتراضات اجتماعی به سوی يك فضای قطعی تر و چپ تر و شفافتر سوق داده شود. نشانه هایی از این تحول را هم اکنون میشود در برخی از حرکتها کارگری دید. فصلی داغ در ایران در پیش است. باید برای آن بطور همه جانبه ای آماده گردید.\*

**تلفن تماس با حزب در خارج از کشور**

**اصغر کریمی، دبیر کمیته خارج**  
۰۰۴۴۷۷۲۵۱۸۱۷۹۲

**تلفن تماس با حزب از ایران**  
**شهاب دانشفر: دبیر کمیته سازمانده**  
۰۰۴۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

**آدرس پستی:**

**I.K.K , Box: 2110 ,  
127 02 Skärholmen - Sweden**

# "انتخابات" و تناقض بزرگ جمهوری اسلامی



بهروز مهرآبادی

در حکومت اسلامی مفاهیم معنایی متفاوت پیدا می کنند. "انتخابات" یکی از این مفاهیم است که هیچگاه جز یک مضحکه و نمایش سراسر تقلب، حقه بازی به همراه سرکوب و اختناق چیز دیگری نبوده است. اما تا زمانی که واژه مناسبی برای این نمایش چندش آور پیدا نشود، بناچار باید از این غلط مصطلح، استفاده کرد. "انتخابات" رئیس جمهور نزدیک میشود و دعوای درون نظام بالا می گیرد. اما جدال بین جناحهای مختلف سیاسی بخش کوچکی از "انتخابات" است. کشمکش برای تصرف قدرت، پر کردن حساب های بانکی و تقسیم غنایم هم موضوع اصلی نیست. "انتخابات" رئیس جمهور "همواره یک معضل بزرگ برای جمهوری اسلامی بوده است، چون تناقض وجودی جمهوری اسلامی را به نمایش می گذارد و برگزاری "انتخابات" رئیس جمهور همواره به معنای از سر گذراندن یک بحران و آغاز یک دوره بحرانی شدیدتر و حادثر بوده است.

رئیس جمهور اسلامی یعنی کارگزار سیاست های حکومت برای زیر سلطه نگاه داشتن و سرکوب جامعه، ساماندهی سیستم استثمار و غارتگری و مدیریت ارتباط رژیم با دنیای خارج از آن و پیدا کردن چنین فردی همواره یک معضل بزرگ جمهوری اسلامی بوده است. این بخاطر "قطع الرجال" نیست، بلکه به این دلیل است که هیچکس نمی تواند

راه حلی برای مشکلات و بحران های جمهوری اسلامی باشد بدون اینکه با مانع قوانین اسلامی مواجه نشود. پاسخ ۷۰ میلیون تشنه آزادی، برابری، رفاه و مدرنیسم را نمی توان با روضه خوانی، حجاب، تعزیر، قصاص، خمس و زکات و صدقه داد. به دور کشوری که تمام روابط اقتصادی با دنیایی است که کوچکترین وقعی به قوانین اسلامی نمی گذارد، نمی توان دیوار کشید. رژیمی که عمده ترین سیاست های اقتصادی اش را صندوق جهانی پول دیکته می کند، نمی تواند برای همیشه اینترنت را قطع کند، تلفن ها را ببندد و مانع تردد مردم به دنیای خارج از سلطه اش شود. حتی ولی فقیه هم عضو سایت مکره فیسبوک میشود و بسیاری از فرزندان آیت اله ها هم وقتی پایشان به دانشگاه و یا به فرنگ می رسد، اسلام را کنار می گذارند و حتی در مقابل رژیم می ایستند. رژیم هر چقدر تلاش کند تا زنان را به کنج پستوها براند باز مجبور است کارکنان زن شرکت های خارجی را تحمل کند و به آنها حق حجاب بپردازد. اگر احقانه تلاش کند تا زمان پرواز هواپیماها را با ساعت دائمی در حال تغییر اذان تنظیم کند ولی نمی تواند مانع دور انداختن حجاب توسط مسافران در لحظات بعد از پرواز شود.

رئیس اجرائی هر کس که باشد و بخواهد از احکام الهی رهبر پا روی زمین بگذارد و به مساله حجاب، رابطه با مردم، اقتصاد، رابطه با غرب، تکنولوژی، ورزش و ... جواب عملی بدهد به هزاران تناقض بر می خورد. رهبر هر دلقک دیگری را بعنوان رئیس جمهور تعیین کند، فردا در مقابلش خواهد ایستاد. مجبور است و در عمل مجبور می شود. اما از سوی دیگر هر گونه

کوتاه آمدن از قوانین اسلامی می تواند موجودیت حکومت را به خطر بیندازد. یک ذره عقب رفتن حجاب و یک موسیقی شاد نه تنها بنیاد های جمهوری اسلامی بلکه پایه های عرش الهی را هم به لرزه می اندازد. تمام تلاش های جمهوری اسلامی برای حل این تناقض شکست خورده است. حذف پست ریاست جمهوری از جمله این تلاشها بود که دو سال پیش مطرح شد ولی خیلی زود پرونده آن به بایگانی سپرده شد. تفاوتی ندارد اگر بجای رئیس جمهور، نخست وزیر در مقابل رهبر نظام بایستد و او را بی اعتبار کند.

در مقابل شدت گرفتن مبارزات مردم بر علیه جمهوری اسلامی، تعیین احمدی نژاد در دو دوره قبل پاسخ ناگزیر خامنه ای و اکثریت نظام در مقابل این تناقض بود. برای پاسداری از قوانین اسلامی در مقابل مردم و در مقابل دنیای قرن ۲۱ یکی از عقب مانده ترین و جنایتکارترین عناصر رژیم انتخاب شد. قدرت گیری احمدی نژاد همراه با افزایش سرکوب، اعدام و چپاول و غارت زندگی مردم. در این کار و حتی در سرکوب رقبا داخل نظام نظیر باند رفسنجانی و اصلاح طلبان حکومتی، او از حمایت بیدریغ خامنه ای برخوردار بود. اما هاله نور بالاسر رئیس جمهور جدید خیلی زود خاموش شد، صندلی امام زمان از جلسات کابینه به داخل چاه جمران منتقل گردید و دولت امام زمانی ملقب به "فتنه جدید" شد. اختلاف نظر رئیس جمهور با ولی در موارد مختلف از جمله مبارزه با بد حجابی، استفاده از آنتن های ماهواره ای، حمایت از رژیم سوریه و سیاست هسته ای بتدریج بالا گرفت. یکی از لمپن ترین خادمان جان نثار ولی فقیه تبدیل به نماینده یک جریان سیاسی و یک مدعی قدرت در مقابل او شد

و پرچم "ایرانیت"، "گورش کبیر" و ناسیونالیسم را بالا برد، تا آب از لب و لوجه بعضی اصلاح طلبان و ناسیونالیست ها سرازیر شده است. حسین باقرزاده در مورد احمدی نژاد می گوید: "بیش از هر رئیس جمهور پیشین این نظام، در برابر ولی فقیه زمان ایستاده و موقعیت و احکام او را به چالش کشیده است. او اکنون در مقام یک مدافع حقوق و آزادی های مردم، حکومت قانون، حق انتخاب آزادانه مردم، افتخارات باستانی و ملی ایران، نفی سلطه روحانیت بر حکومت و تغییر قانون اساسی جمهوری اسلامی به سخن در آمده است. اکنون دیگر مدتها است که دعوی اصلی درون نظام بین باند ولی فقیه و دار و دسته رئیس جمهور است." (سایت ایران امروز، سه شنبه ۱۴ آذر)

موضوع اصلی دعوی مذاکره با غرب و کوتاه آمدن در مذاکرات هسته ای با گروه ۱+۵+۱ و تن دادن به تسلط ترکیه و عربستان در منطقه است. خامنه ای تاکنون حاضر به نوشیدن این جام زهر نشده است و حداقل حاضر نیست آن را از دست رفسنجانی و یا احمدی نژاد بنوشد. او میدانند که هرگونه کوتاه آمدن از تولید سلاح هسته ای و سازش با غرب به معنای به خطر افتادن بقای جمهوری اسلامی است. اما برای رئیس جمهور - حتی اگر خود رهبر این نقش را بعهده بگیرد - ادامه کار بدون کسب رضایت غرب امکان پذیر نیست. این موضوع اصلی ائتلاف ها و نزاع های درون جمهوری اسلامی و بویژه در کشمکش های "انتخابات" رئیس جمهور خواهد بود. اصولگرایان که ظاهرا تا بحال پشت سر ولی خامنه ای قرار داشته اند، متحیر و سر درگم هستند و هیچ نظر مشخصی در بین آنها مطرح نیست. شکاف هایی که در صفوف آنها پیدا شده بیشتر خواهد شد و صف بندی باندهای مختلف اصولگرا بر مبنای سازش یا عدم سازش با غرب خواهد بود.

تاکنون مهمترین شخصیت مذاکره و سازش با غرب در درون نظام، هاشمی رفسنجانی بود. با دستگیری فرزندان هاشمی و تشکیل یک پرونده سنگین برای مهدی هاشمی، خانواده او عملا از این دور بازی کنار گذاشته شد. باند احمدی نژاد تلاش می کند که نقش این خانواده را بعهده بگیرد اما بنظر نمی رسد که غرب به آنها بتواند اعتماد کند، احمقی مثل احمدی نژاد بدون کت و شلوار ریاست جمهوری شاید بتواند برای مدت کوتاهی نقش یک مترسک را بازی کند ولی نقش او بعنوان سیاستمدار دوام زیادی نمی تواند داشته باشد. در صورت بقای جمهوری اسلامی، راه بازگشت باند هاشمی رفسنجانی به صحنه، چندان دشوار نیست.

بعید نیست که به اصلاح طلبان هم اجازه شرکت در انتخابات داده شود. آنها خودشان را آماده کرده اند. جبهه اصلاح طلبان مرکب از ۱۸ حزب و سازمان تشکیل شده و با انتشار یک بیانیه آمادگی خود را برای شرکت در "انتخابات" و حفظ نظام جمهوری اسلامی اعلام کرده است. حضور اصلاح طلبان برای گرم کردن بازار این سیرک لازم است. جنبش اصلاح طلبی سالها است که در عرصه جامعه شکست خورده و منفور و مفتضح شده، در حکومت هم اصلاح طلبان شکست خورده، لگدکوب و خوار و ذلیل شده اند، اما اصلاح طلبی بعنوان یک راه نجات نظام در مقابل انقلاب مردم همواره مطرح است و نمایندگان خود را در درون حکومت می تواند پیدا کند. چه ولی فقیه و چه رئیس جمهور این را بخوبی می دانند و نمی خواهند این جلیقه نجات را، اگر چه پوسیده و سوراخ شده، از کشتی در هم شکسته نظام بیرون بیندازند و با تمام خط و نشان کشیدن ها و تهدید ها، ناچار به تحمل سران اصلاح طلب هستند.

درس ۴۰۱۲

مصطفی صابر

از صفحه ۱

تحلیل فقر و فلاکت و بیکاری و افسردگی بیشتر است. در یک کلام سال ۲۰۱۲ نشان داد که سرمایه داری علنا و وقیحانه خون بشریت را در شیشه کرده است و طوری وانمود میکند که جز این هم راه حلی موجود نیست. اینجاست که کمونیسم به مشابه پرچم پیروزی جنبش زنده و جاری و تعطیل ناپذیر اکثریت عظیم ۷ میلیارد ساکن کره زمین برای رهایی موضوعیتی بیش از پیش می یابد. باید سرمایه داری را برانداخت، باید دست به ریشه برد و نظام اقتصادی را برقرار ساخت که بجای آنکه مالیکت خصوصی و بانک و پول و کالا و دروغ و کلک و استثمار بر زندگی حاکم باشد، خود انسانهای آزاد و برابر زندگی را سازمان دهند بطوری که هرکس بنا به توانش برای جامعه بکوشد و بنا به نیازش دریافت کند.

درسی که بررسی اوضاع اقتصادی جهان در ۲۰۱۲ بما میدهد با نگاهی به اوضاع سیاسی در این سال بیشتر تاکید میشود. سال ۲۰۱۲ نشان داد که توده های عظیم میلیونی و صدها میلیونی که در نقاط مختلف جهان بپاخاستند، نتوانستند از لحاظ سیاسی طبقه حاکمه یعنی طبقه سرمایه دار را خلع ید کنند. نتیجه حالت برزخی و نامتعیینی است که اکنون می بینیم. برای مثال در مصر و تونس (گل سر سبد انقلابات خاورمیانه و شمال آفریقا) نه کارگران، مردم و صف آزادی و برابری که مشتکی اسلامی های کت و شلواری بر پایه حفظ ارتش و ارکان نظام سابق به قدرت رسیدند که نه میتوانند به شیوه مبارک و بن علی دیکتاتوری به خرج دهند و اوضاع سابق را اعاده

داری و علیه حاکمیت یک درصدی ها در غرب، اکنون جهان در چه وضعی قرار دارد؟ مردم چقدر به "نان و کرامت" شان رسیدند؟ بر "نود و نه درصدی ها" چه میروند؟ "یک درصدی ها" در چه وضعی قرار دارند و تا کی قادرند تسلط خود بر این استخوان لای زخمی که زندگی نام گرفته است را ادامه دهند؟

سال ۲۰۱۲ نشان داد که متاسفانه نود و نه درصدی ها علیرغم قهرمانی های سال ۲۰۱۱ و علیرغم موفقیت های مهم در بهم زدن تعادل جهان سیاه قبل از ۲۰۱۱ هنوز بطور قطعی پیروز نشده اند. نه انقلابات نان و کرامت به حاکمیت رفاه و حرمت انسانی منجر شد و نه در جایی دست یک درصدی ها، بانکها و سود و رذالت از سر مردم کوتاه شده است. اینرا بویژه وقتی خوب می بینم که به اوضاع اقتصادی مردم جهان نگاه کنیم. در سال ۲۰۱۲ تقریبا در سراسر جهان وضع حتی بدتر از سالهای قبل شد. ریاضت کشی اقتصادی سببانه تر از قبل بر زندگی بشر تاخت. بیکاری، فقر، خودکشی، بیخانمانی، فحشاء، اعتیاد، قحطی و گرسنگی بیشتر شد و شکاف بین اقلیت مفتخور و اکثریت عظیم شریف و زحمتکش عمیق تر شد. پیش بینی های اقتصادی برای سالهای آینده نیز چیزی بهتر از ادامه کم و بیش همین وضع نمی گوید. پس لزره های بحران عمیق و ساختاری ۲۰۰۸ همچنان گریبان جهان را میفشرد و تنها راه سرمایه داری برای خروج از بحران نیز همانا

در خیابانها جاری کرد. سال ۲۰۱۲ نشان داد که برای نجات زندگی از دست بانک و سود و دزدی و بیکاری و ریاضت کشی اقتصادی و نابودی محیط زیست باید آرمانها و شعارهای سال ۲۰۱۱ را متحقق ساخت. باید بطور جدی صف ۹۹ درصدی ها را علیه حاکمیت یک درصدی ها سازمان داد و از اینها خلع ید سیاسی کرد. باید قدرت مستقیم و متکی بر شورا و مجمع عمومی و اعمال حاکمیت بلافصل خود مردم را برقرار کرد و این چیزی جز شروع برقراری کمونیسیم نیست. گیرم شما خودتان را آنارشویست و یا هرچه بدانید، اما خواه ناخواه سازمان دادن یک اجتماع انسانی مبتنی بر نفی سرمایه داری و بردگی مزدی جز کمونیسیم نیست. یادمان نرود کمونیسیم نامی از یک مرحله در تاریخ که گویا مارکس اختراع کرده بود و باید به تاریخ قالب کنیم نیست. کمونیسیم جنبش زنده انسانهای زنده برای نفی سرمایه داری و برقراری آزادی و رفاه و برابری است.

خلاصه آنکه درس مهم سال ۲۰۱۲ این بود که جامعه بشری شدیداً به پیروزی کمونیسیم چه از

کنند و نه قادرند همچون اسلام سیاسی خمینی انقلاب را سرکوب کنند و به خون کشند. بورژواها علیرغم آنکه همچنان در قدرتند اما زیر فشار انقلاب مجاله میشوند و راه حل و الگوی حکومتی روشنی ندارند. جامعه در یک حالت فلج سیاسی و اقتصادی قرار دارد و بر متن آن نبرد بین انقلاب و ضد انقلاب ادامه خواهد داشت. یکسره کردن این وضع و برقراری شرایطی که رفاه و سعادت مردم را تضمین کند تنها از عهده جنبشی بر می آید که متکی بر حرکت، سازمان و آگاهی توده های میلیونی کارگران و مردمی است که به آنها پیوسته اند و در قدم اول ماشین دولتی و نظام سیاسی حاکم را در هم میشکند و خود قدرت سیاسی را به کف می آورد. نام چنین چیزی کمونیسیم است! مثال دیگر اوضاع سوریه است. در سوریه انقلاب بحق مردم بدرست در مقابل رژیم سفاک و جنایتکار اسد دست به اسلحه برد اما برای پیروزی نهایی باید بتواند اوباش اسلامی و غیر اسلامی که در پی حاکمیت خود پس از اسد هستند را نیز عقب براند و قدرت مستقیم مردم را مستقر سازد و اینهم در دوره و زمانه ما تنها از عهده کمونیسیم بر می آید و بس.

در غرب هم سال ۲۰۱۲ بیش از پیش نشان داد که دوره حمایت از یک جناح هیات حاکمه در مقابل جناح دیگر پایان یافته است. همه راز دوره ما دقیقا در این است که چپ بورژوایی و رفرمیسم بورژوایی محلی از اعراب ندارد. اینرا سقوط شوروی و دست بالا گرفتن ارتجاعی ترین جناح های بورژوایی در ۳۰ سال گذشته به همه اعلام کرده بود اما سال انقلابی ۲۰۱۱ به آن قطعیت بخشید و بعنوان یک حقیقت مسلم

لحاظ سیاسی و چه اقتصادی نیاز دارد! میدانم کسانی پیدا میشوند که اینرا توهم و خیالات میدانند و حتی کسانی نیشخندی حاکی از توهم به عقل سرشار خود بر لب آورند. اشتباه آن ناباوران و این عقلا اما آنجاست که از کمونیسیم همان چیزی را مد نظر دارند که جریانهای اصلی آن مدتهاست مرده اند. سال ۲۰۱۲ نیز بطور موکد سترونی تئمه های به اصطلاح "رادیکال" آن کمونیسیم قدیم (بقول منصور حکمت "موبدان سرخ پوش معبد تاریخ") را بروشنی اثبات کرد. اما اگر کمونیسیم را آنطور ببینیم که واقعا هست، یعنی حرکتی متکی بر جنبش زنده و جاری و عظیم بردگان مزد بر علیه بردگی مدرن - حال گیرم تحت نام "جنبش ۹۹ درصدی ها"، "انقلاب نان و کرامت انسانی" و یا هر اسم دیگر- آنوقت خواهیم دید که اولاً این جنبش تا چه حد توانا و بنیان کن است؛ و ثانیاً سال ۲۰۱۲ ضرورت به پیروزی رساندن این جنبش واقعی و قدرتمند (که امر کمونیسیم است) را بیش از پیش در مقابل بشریت قرار داد. \* (۲۷ دسامبر ۲۰۱۲)

"انتخابات" و تناقض بزرگ جمهوری اسلامی

از صفحه ۳

دانست. هر کس حتی اگر مرتجع تر و مطیع تر از احمدی نژاد هم باشد، بناچار در مقابل ولی فقیه خواهد ایستاد. این تناقض وجودی جمهوری اسلامی در این دوره خود را بیشتر از هر زمان دیگر نشان می دهد. شکاف های درون نظام بیشتر از هر زمان دیگری است و فرصت های دیگری برای به خیابان آمدن مردم و جارو کردن بساط کثافت جمهوری اسلامی از شهرهای ایران در انتظار است.\*

شرایط تعیین شده برای رئیس جمهور آینده نظام، بر اساس دائمه رهبر شکل داده شده و نام های مختلفی بعنوان کاندیداهای احتمالی مطرح شده اند. اما هنوز چهره های شاخصی بعنوان کاندیداهای اصلی مشخص نشده اند. این را باید قبل از هر چیز نشانه سردرگمی رهبر نظام برای انتخاب شخص مورد نظر خود

نه قومی نه مذهبی حکومت انسانی!



## همه پرسى در مصر: اقلیت پیروز!



خلیل کیوان

کردند. دو سوم جمعیت مصر در این مضحکه شرکت نکرد. به این ترتیب از ۱۷ میلیون رای دهنده، در مجموع نزدیک به دو سوم، یعنی ۱۱ میلیون (۶۳،۸ درصد) به پیش نویس قانون اساسی رای مثبت دادند. به این ترتیب اقلیت کوچکی بر اکثریت پیروز شد!

اگر یک نتیجه این همه پرسى اعلام پیروزی اسلامیسون بود، نتیجه دیگر آن، روشن شدن این مساله بود که اکثریت قاطع مردم مصر، حامی محمد مرسى و اسلامگرایان نیستند. همه پرسى روشن کرد که ۸۰ درصد مردم مصر توهمی به اسلامگرایان ندارند. حکومت مرسى و اخوان المسلمین، حتى اگر همه ۱۱ میلیون رای را تماما بحساب حمایت از آنها بگذاریم، در این مقطع زمانی نماینده ۲۰ درصد مردم مصر هستند. تردید است که این میزان حمایت را هم در آینده داشته باشند. در این رای گیری، مثل هر انتخابات دیگری، مردم به دلایل مختلف در آن شرکت کرده

همانطور که انتظار میرفت نتیجه همه پرسى قانون اساسی مصر بنفع اسلامگرایان تمام شد. کمیسیون عالی انتخابات مصر نتیجه همه پرسى را، روز سه شنبه ۲۵ دسامبر اعلام کرد. بر اساس آمارى که منتشر شد، طى دو مرحله که در روزهای ۱۵ و ۲۲ دسامبر برگزار گردید، در مجموع نزدیک به ۳۱ درصد از واجدین شرایط، در همه پرسى شرکت کردند. به عبارتی دیگر از ۵۱ میلیون نفر مصرى که واجد شرایط رای دهی بودند، کمتر از ۱۷ میلیون در رای گیری شرکت

قدرت نگه دارد. بعید است مردمى را که برای بدست آوردن "کرامت انسانی" خود بپا خواستند بتوان با این سرعت و تا این حد و میزان تحقیر کرد و بعقب راند و به تمکین واداشت. مصر سکولار و انقلابی میتواند سر بلند کند و به گرد آوری قوا و سازمانیابی و تعرض روی آورد. زنان، کارگران و سکولارهای مصر نیروی عظیمی هستند و مى توانند ورق را برگردانند. قانون اساسی که متضمن برابری کامل همه شهروندان صرفنظر از جنسیت، ملیت، مذهب و تعلق نژادی نباشد، ظالمانه و تحقیر آمیز است. مردمى که برای "نان، رفاه و کرامت انسانی" انقلاب کردند، بعید است، این همه تحقیر، بی حرمتی و بی حقوقی را برتابند.

قدرت سیاسى در مصر هنوز یکسره نشده است. ضد انقلاب هنوز تشبیت نشده است. نبرد مصر انقلابی و سکولار با ارتجاع اسلامى که سنگرهای ریاست جمهوری و قانون اساسی را بدست گرفته است و حمایت نیروهای مسلح رژیم سابق را هم فی الحال با خود دارد، ادامه دارد. انقلاب

مصر قدرت کافی برای سرنگونی دیکتاتور را داشت اما، قدرت کافی برای تحقق دیگر اهداف خود را نداشت. اخوان المسلمین و جبهه اسلام گرایان اگر چه اقلیتی بیش نیستند اما، سازمانیافته اند. به همین خاطر از ضعف جبهه انقلاب که عدم سازمانیافتگی است بهره بردند و این همه پرسى را سرهم بندی کردند تا به اهداف شومشان، پیرهن قانونی بتن کنند و برای حکومت شان مشروعیت کسب کنند. على الظاهر، در این امر موفق شدند. ضد انقلاب مصر اینبار در هیبت اسلامى يك گام دیگر خود را بجلو کشید. آیا انقلاب به آنها فرصت خواهد داد تا بیشتر از این جا سفت کنند؟ آنچه مسلم است نقطه عطف های بیشتری در راهند. یکی از این فرصت ها، انتخابات پارلمان است که قرار است ظرف چند ماه پس از تصویب قانون اساسی برگزار گردد. ممکن است رویارویی مردم و حاکمیت تا آن زمان حتى منتظر نماند و خوابی را که شاید انقلاب، محمد مرسى و اخوان المسلمین برای هشتاد میلیون مردم مصر دیده اند، آشفته سازد.\*

## سوسیالیسم راه نجات ما است!

بیش از سی سال است از زندگی ما دزدیده اند. اقلیتی مفتخور میلیاردر شده اند و اکثریت کارگر و زحمتکش سفره هایشان تماما خالی شده است. سالها استثمارمان کرده اند و هر وقت نخواستند ما را به خیابان رها کرده اند. ثروت های مملکت را قشر کوچکی بالا کشیده اند و ما را از هست و نیست ساقط کرده اند. سپاه و بسیج و اطلاعات و نیروی انتظامی و مسلح درست کرده اند و هر وقت اعتراض کرده ایم آنها را به جان ما انداخته اند. دادگاه و زندان ساخته اند و ما را به جرم اعتصاب و اعتراض، به زندان و شلاق و جریمه های سنگین محکوم کرده اند. گله آخوند تربیت کرده اند که خرافه رواج بدهند تا ما به همین زندگی جهنمی رضایت بدهیم. رسانه هایشان مدام دروغ میگویند و وعده های توخالی میدهند. سعی میکنند مردم را از کمونیسم و کمونیست ها بترسانند تا سرمایه داری را حفظ کنند و ثروت خود را افزایش دهند. گولشان را نخوریم، اراجیف شان را باور نکنیم. تا سرمایه داری و دولت سرمایه داران سر کار است، سهم ما از زندگی همین است. راهی جز سوسیالیسم برای پایان دادن به سرمایه داری و فقر و نابرابری و بیکاری و زندان و شلاق و شکنجه نداریم. یا سرمایه داری و حکومت دزدان اسلامى یا سوسیالیسم و رفاه و آزادی.

مرگ بر سرمایه داری و دولت دزد سرمایه داران!

زنده باد سوسیالیسم!

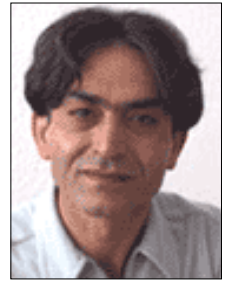
زنده باد حزب کمونیست کارگری!

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران ۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸

کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

## شیخ اعتراضات ۸۸ بر فراز انتخابات حکومتی!



محمد شکوهی

در آستانه سالگرد اعتراضات گسترده مردم برعلیه جمهوری اسلامی در سال ۸۸ هستیم. اعتراضات میلیونی که از خرداد شروع شد و رژیم را تا آستانه سقوط پیش برد. از برجسته روزهای این تاریخ اعتراضات مردم در هفته اول دی ماه می باشد. هفته ای که مردم معترض بساط عاشورای حکومت را در هم پیچیده، شعار مرگ بر اصل ولایت فقیه سر داده و عکس های خمینی و خامنه ای را به زیر کشیدند. جنبشی که با این حرکت رسماً و علناً وارد جنگ با بساط حکومت جهل و خرافه مذهبی گردید، تنها بخشی از غلغلیان اعتراض و سرنگونی خواهی مردم بود که در اعماق جامعه می جوشید که بروز خیابانی به خود داد. کل حکومت سراسیمه شده بود. هواپیمای ولی فقیه به اعتراف حکومت آماده پرواز بود. نیروهای نظامی رژیم قدرت سرکوب از شان گرفته شده بود. خامنه ای که حکومتش را در خطر جدی تعرض مردم میدید، در صحنه ظاهر شد و "فرمان ختم فتنه" را صادر کرد. روز ۹ دی خامنه ای فرمان حمله به مردم و اعتراضاتشان را صادر کرد. هزاران نیروی مسلح و ارادل و اوپاش حکومتی وارد صحنه شدند. خامنه ای دستور داد "به فتنه گران نباید ترحم کرد!" درگیری مردم با حکومت تا ۲۲ بهمن ادامه داشت. رژیم موفق شد با سرکوب های گسترده و دستگیریهای دهها هزاران نفری، فعلاً از "نظام رفع خطر نماید". بعد از سرکوب

اعتراضات مردم خامنه ای این روز را "حماسه ۹ دی حکومت" نامید. حکومت برآمده از "حماسه اش" نه فقط یک دست نبود و نشد، بلکه شکننده تر و متشتت تراز همیشه، از این وقایع بیرون آمد. رویای "یکدست کردن حکومت" دود شد و به هوا رفت. حکومت بعدها اعلام کرد که دهها هزار نفر را دستگیر کرده است. هنوزم گاهی مقامات رژیم گوشه هایی از جنایاتشان را در دعوای باندی حکومت رو می کنند.

با نزدیک شدن مضحکه انتخاباتی حکومت، باندهای حکومتی هر کدام به گوشه هایی از "خدمات سربازان گمنام امام زمانشان" برای نجات نظام پرداخته و مدام خطر تکرار "فتنه بس بزرگتر" را به همدیگر گوشزد میکنند. اکنون که در آستانه سالگرد اعتراضات عاشورای سال ۸۸ برعلیه جمهوری اسلامی قرار داریم، کل حکومت، تمام توان و قدرت سرکوبش را برای جلوگیری از تکرار وقایع ۸۸ بسیج کرده است. اعتراضات سال ۸۸ عمیق ترین و بزرگترین شکاف را به صفوف حکومت تحمیل کرد. حکومت شقه شقه شده. اختلافات باندهای حکومتی شدت گرفته است. با نزدیک شدن انتخابات حکومتی، موضوع اعتراضات سال ۸۸ با انگ "فتنه و فتنه گران" و بحث حول و حوش آن، یک موضوع مهم باندهای حکومتی شده است. در این میان خامنه ای میزبان وفاداری حکومتیان به ولی فقیه را به درجه و میزان "اعلام برائت از فتنه گران" معطوف کرده است. خطر تکرار ۸۸ و به صحنه آمدن دوباره مردم برعلیه حکومت، ترس و وحشت رژیم را صد چندان کرده است. حکومت و باندهایش مدام در این مورد هشدار میدهند. در دعوای باندهای حکومتی همدیگر را متهم به "فتنه گری" می

کنند. حکومت درهم ریخته برای برگزاری انتخاباتش از همین الان دچار ترس و وحشت شده است. "حماسه ۹ دی" قرار بود کل نظام را در برابر تعرض مردم به حکومت، بیمه نماید، که نشد. قرار بود صفوف حکومت حول چسب ولی فقیه یکدست بشود که نشد. قرار بود خامنه ای بعد از وقایع سال ۸۸ قدرتمند از همیشه در راس نظام ظاهر بشود، که نشد. اتوریته و اعتبار خامنه ای روز بروز در برابر باندها و دار و دسته های حکومتی پائین تر آمده است. جنگ و دعوای باندهای حکومتی بدون توجه به "توصیه های رهبر" ادامه دارد. حکومت از سر تا پایش بی افق تر از قبل و بی آینده تر از قبل شده است. در یک چنین وضعیتی حکومت در تدارک انتخاباتش می باشد. انتخاباتی که به اعتراف خود حکومت در حساس ترین دوره حیات رژیم برگزار خواهد شد و میتواند اثرات و تبعات خطرناکی برای نظام به دنبال داشته باشد. در نتیجه خامنه ای در صدد مدیریت انتخابات مورد نظرش برآمده است تا کاندید مورد نظرش را، وارد صحنه نماید. شرط و شروط خامنه ای "برائت از فتنه و پیروی از رهبری" می باشد. همین که تا به امروز کسی مورد تأیید ضمنی خامنه ای قرار نگرفته، خود بیانگر این موضوع است که وی فعلاً کاندیدی ندارد. فعلاً نظاره گر جنگ و دعوای شخصیت های مطرح حکومت برای کاندیدای مورد نظرش می باشد. این دعوای را مدیریت می کند، تا رقبای جدی تر این پست را از صحنه بدر کرده و بعد انتخاب خودش را بکنند. استراتژی بیت رهبری خارج کردن رقبای خامنه ای و در راس آنها رفسنجانی از صحنه می باشد. هرکس که بیشترعلیه باند رفسنجانی به صحنه بیاید، مورد تأیید خامنه ای می باشد. باند

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)  
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

## سوریه در هفته ای که گذشت!

محمد شکوهی

جنگ و درگیریهای نظامی گسترده در سراسر سوریه ادامه دارد. در طول هفته گذشته صدها نفر در این درگیریها کشته شده اند. در کنار ادامه جنگ مخالفان برعلیه رژیم، بمبارانهای وحشیانه شهرها و مردم توسط رژیم ادامه دارد. در هفته گذشته هواپیماهای رژیم صف نانویی در حومه شهر حماه را بمباران کردند که در نتیجه آن بیش از ۱۰۰ نفر کشته شده اند. بمباران شهرهای حلب و حومه آن، الرستن، حومه دمشق کماکان ادامه دارد. فقط در طول دو هفته گذشته بیش از ۳۴۰ نفر در جریان این بمبارانها در مناطق مختلف سوریه شده اند. همزمان با ادامه بمبارانهای وسیع مراکز مخالفان و شهرهایی که در دست مخالفان می باشد، با بربریت تمام ادامه دارد. در جنگ های زمینی و جبهه ای مدتهاست که رژیم قدرت مقاومت در برابر مخالفان مسلح را از دست داده. نمونه برجسته آن درگیریهای ۴ ماه گذشته در حلب می باشد. علیرغم اینکه شهر در محاصره تانک ها قرار داشته و بمبارانهای هوایی ادامه دارد، نیروهای رژیم هنوز نتوانسته اند وارد حومه حلب شوند. بیشترین تمرکز نیروهای مسلح مخالف رژیم اسد در دفاع از حلب متمرکز شده است. در کنار آن گسترش حملات نظامی به دمشق و کنترل بخش های بزرگی از حومه دمشق توسط مخالفان، حلقه محاصره بر نیروهای رژیم تنگ تر شده است.

در ماههای اخیر وبه دنبال گسترش مبارزه مسلحانه برعلیه رژیم اسد، دار و دسته های تروریست اسلامی نزدیک به

القاعده با حمایت عربستان و قطر تحركات نظامی شان در برخی مناطق سوریه بیشتر شده است. این جریانها با استفاده از فرصت بدست آمده و با حمایت این کشورها برای تاثیر گذاری بر روندهای آتی در سوریه بعد از اسد، وارد صحنه شده اند. گروه تروریستی النصره که شاخه جدا شده از القاعده می باشد، در این میان بیشترین امکانات مالی و نظامی را از کشورهای نامبرده دریافت کرده و با حمایت این کشورها در حال تبدیل شدن به وزنه ای در صفوف مخالفان اسد می باشد. نیروهای "اپوزیسیون سوریه" با این توجیه که هر کس علیه اسد می جنگد، در صف مخالفان است، عملا دست این نیروی تروریستی را در دخالت در اوضاع باز گذاشته اند. پیرامون برخورد به جریانها اسلامی در صف مخالفان اختلافاتی وجود دارد. کمیته های هماهنگی انقلاب سوریه و بخشا "ارتش آزاد سوریه" در مناطقی که نفوذ دارند، از همکاری با این گروه اسلامی خودداری می کنند. سایر جریانها مذهبی اپوزیسیون سوریه، بویژه در مناطق حمص و بخشا دمشق دست این جریان تروریستی را باز گذاشته اند. ورود جریانها اسلامی مارکدار به جنگ با رژیم اسد، در کنار حمایت کشورهای عربی از این جریانها، موقعیت آنها را در تحولات جاری سوریه و بخشا در دوره بعد از اسد، دچار تغییرات جدی کرده است. در واقع جریان النصره کارت بازی کشورهای عربی، بویژه عربستان و قطر در سوریه و در برابر سایر جریانها متمایل به غرب می باشد. پای ایامه جنگ، برخی

تلاش ها و تقلاهای دیپلماتیک غرب برای پایان دادن به آنچه که "بحران سوریه" می نامند، دوباره شدت گرفته است. يك اتفاق در این رابطه، تلطیف مواضع روسیه در دفاع از رژیم اسد می باشد. شواهد و قرائن نشان از کنار آمدن روسیه و آمریکا برای پیدا کردن راه حلی برای این موضوع می باشد. روسیه هفته اخیر اعلام کرده است که حاضر نیست به هر قیمتی از رژیم اسد دفاع نماید. لاورف وزیر خارجه روسیه حتی پا را فراتر گذاشت و گفت اسد به روسیه و چین پناهنده نخواهد شد. اینها نشانه هایی از تغییر برخی سیاستهای حمایتی روسیه از رژیم اسد و وارد شدن به موضوع "حل بحران سوریه" در توافق با آمریکا و غرب می باشد.

در تحولاتی دیگر اخضر ابراهیمی نماینده سازمان ملل دور جدیدی از تلاش هایش را برای حل موضوع سوریه آغاز کرده است. هفته گذشته وی به دیدار دیکتاتور سوریه رفت. در پایان این دیدار اعلام شد که گویا وی طرحی برای پایان دادن به "بحران سوریه" در دست تهیه دارد که قرار است در روزهای آینده اعلام شود. در همین حال رژیم اسد نیز اعلام کرد که با جهت گیری عمومی طرح موافق می باشد ولی اول باید "حملات تروریستها" خاتمه یابد. درواکنش به این تلاشهای ابراهیمی، جمهوری اسلامی نیز در هفته های اخیر طرح ۶ ماده ای برای بحران سوریه ارائه داده و ادعا کرده است که این تنها راه حل است. محور اصلی این طرح حفظ اسد در قدرت، سرکوب "تروریستهای مسلح" و ... می باشد. طرح رژیم در واقع طرح و خواسته اسد می

باشد که از کانال جمهوری اسلامی اعلام شده است. در همین حال برخی منابع غربی اعلام کرده اند که طرح "دوره انتقالی" برای پایان دادن به بحران سوریه در دست تهیه می باشد. براساس اخبار و گزارشاتی که در مورد این طرح به بیرون درز کرده است، قرار است ابتدا آتش بس اعلام شود، نیروهای امدادی سازمان ملل و صلیب سرخ وارد کمک رسانی شوند، دستگیر شدگان دوطرف آزاد شوند و نهایتا رژیم سوریه به ریاست شخص اسد ملزومات برگزاری انتخابات آزاد را فراهم نماید. اینها مواردی هستند که به بیرون درز کرده اند. در واکنش به این طرح ها، بویژه طرح ۶ ماده ای جمهوری اسلامی، "اپوزیسیون سوریه" طرح رژیم جمهوری اسلامی را محکوم کرده و آن را طرحی برای حفظ اسد خوانده است. همزمان کشورهای عربی حوزه خلیج نیز در تلاشند تا طرح خودشان را در همکاری با ابراهیمی و سازمان ملل تهیه نمایند. اینکه نتیجه این تلاشها و تقلاهای غرب و کشورهای منطقه برای پایان دادن به "بحران سوریه" به کجا خواهد رسید، فرقی در این قضیه ندارد چرا که خواست سرنگونی حکومت اسد يك خواست عمومی و مشروع مردم و مخالفان می باشد. رژیم اسد در واقع مدتهاست که فقط برای بقای خودش می جنگد. در نتیجه حمایت های جمهوری اسلامی و بخشا روسیه است که اسد توانسته فعلا در دمشق قدرتش را نگه دارد. ابعاد جنایات و بربریت و سرکوبهای رژیم اسد ادامه دارد. در این میان مخالفان مسلح حلقه محاصره رژیم را تنگ تر کرده اند. کل کشور از دست رژیم خارج شده است. اسد فقط در دمشق و چند پادگان نظامی در حومه دمشق و پایگاههای هوایی اطراف حلب و دمشق، قدرت رویارویی با مخالفان را فعلا دارد. در هفته اخیر حملات مخالفان بر علیه پایگاههای هوایی نیز شدت گرفته است. چندین پایگاه به دست مخالفین افتاده است. رژیم اسد همه توان هوایی نظامی را در دمشق و حومه متمرکز کرده است. لازم به یادآوری است که از آغاز اعتراضات مردم بر علیه رژیم اسد و تا گسترش جنگ مسلحانه، بیش از ۴۱ هزار نفر کشته، دهها هزار نفر زخمی شده اند. نزدیک به ۳ میلیون نفر از مردم در سوریه و به کشورهای منطقه پناهنده شده اند. وضعیت زندگی و معیشت میلیونها نفر در نتیجه ادامه جنگ اسد برعلیه مخالفان و بمبارانها با خطرات جدی روبرو شده است. در صورت ادامه این روند يك تراژدی بزرگ انسانی در سوریه شکل خواهد گرفت.\*

International Committee Against Stoning  
(<http://stopstoningnow.com>)  
International Committee Against Execution  
(<http://notonemoreexecution.org>)  
For more information contact:  
Spokesperson: [minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)  
0049-177-569-2413

# زنده باد سوسیالیسم!

## خشم میلیونی در هندوستان علیه سنتهای مردسالار



شلا دانشفر

از صفحه ۱

دهلی نو خواستار انتقال وی به یکی از مجهزترین بیمارستانهای جهان در سنگاپور شدند. پزشکان می‌گویند که شدت جراحات به این زن جوان به حدی است که پس از سه عمل جراحی همچنان زنده ماندن او مورد ابهام است. بدین ترتیب این دختر جوان ۲۳ ساله در حال حاضر به دلیل جراحتهای شدید در ناحیه شکم، در بیمارستان بستری است و وضعیت جسمانی اش نامساعد است. گفته میشود در این رابطه پنج نفر از جمله راننده اتوبوس بازداشت شده‌اند و پلیس در جستجوی آخرین فرد مظنون به شرکت در این ماجرا است.

انعکاس این خبر فجیع موجی از خشم و اعتراض در هند را در پی داشته است. مردم می‌گویند دولت اقدام کافی برای مراقبت از جان و امنیت زنان در برابر اینگونه خشونت‌ها و تهدیدها نمی‌کند و معتقدند که پلیس هند نتوانسته به موقع نسبت به فاجعه تجاوز گروهی در اتوبوس اقدام کند و مانع از وقوع چنین جنایتی شود. بنا بر گزارشهای منتشر شده، این اولین بار نیست که چنین ابعادی از تجاوز و خشونت در قبال زنان در این کشور صورت می‌گیرد و میزان

تجاوز در شهر دهلی با داشتن بیش از ۱۶ میلیون نفر جمعیت بیش از هر شهر دیگری در هند است. بنا بر آمار دست کم روزی یک مورد تجاوز جنسی در این شهر گزارش می‌شود. البته این آمار جدا از مواردی است که زنان بدلائل مذهبی و یا ترس از کشته شدن از افشای تجاوز خودداری می‌کنند.

ادامه چنین وضعیتی است که امروز چنین موجب خشم و اعتراض گسترده مردم در کشور هند شده و بیش از ده روز است که مردم معترض این کشور در شهر دهلی هر روزه به خیابان آمده و خواهان پایان دان به این نا امنی و این بیحقوقی نسبت به زنان هستند. ابعاد این اعتراضات آنچنان گسترده است که دولت بخاطر وحشت از دست دادن کنترل اوضاع هرگونه تجمع بیش از پنج نفر را ممنوع اعلام کرده است. با این همه خیابانهای دهلی به صحنه اعتراضات هر روزه مردم و درگیری آنان با نیروهای امنیتی این کشور تبدیل شده است. مقابل دفتر پلیس، کاخ ریاست جمهوری و دیگر مراجع دولتی از جمله مراکز تجمعات مردم معترض است و پلیس وحشت زده با آب پاش به جان مردم افتاده و تلاش به متفرق کردن مردم دارد. از جمله بنا بر خبرها یک گزارشگر تلویزیون که در حال پوشش اخبار اعتراضات مردم بود بر اثر اصابت گلوله نیروهای سرکوبگر دولت جان خود را از دست داد. همچنین در جریان درگیری مردم با پلیس این کشور یک افسر پلیس بر اثر پرتاب سنگ از طرف گروهی از مردم درگذشت. شدت درگیری

میان مردم معترض و نیروهای سرکوب دولت در این اعتراضات به حدی بوده است که گفته میشود تنها در تظاهرات روز ۲۳ دسامبر ۵۰ پلیس زخمی شدند. خلاصه کلام اینکه مجموعه این اتفاقات و سرکوبگری وحشیانه دولت مردم را به شدت خشمگین کرده است. مقامات حکومتی مرتب مردم را به آرامش دعوت میکنند. ابعاد وسیع اعتراضات مردم دولت را به تکان در آورده است. از جمله زیر فشار این اعتراضات مانموهان سینگ، نخست وزیر هند که از زمان وقوع تجاوز، واکنش رسمی ای نشان نداده بود، بالاخره در روز دوشنبه ۲۴ دسامبر طی سخنانی در دفاع از حق معترضان و تاکید بر برقراری آرامش گفت: "عصبانیت و خشم مردم از این جنایت طبیعی است و آنرا درک می‌کنم، اما خشم دوی هیچ دردی نخواهد بود. از تمامی شهروندان می‌خواهم تا آرامش خود را حفظ کنند. به همه شما قول می‌دهم که تمام تلاشمان را بکار بگیریم تا امنیت زنان این کشور را تامین کنیم."

اما مردم که گوششان از این سخنان پر است، همچنان در خیابانند و اعتراضات ادامه دارد. روز چهارشنبه ۲۶ دسامبر در مرکز ایالت مادیا پرادش نیز، تعدادی از نمایندگان مجلس هند نیز به معترضان پیوستند و خواستار واکنش جدی دولت و اتخاذ تدابیر امنیتی برای زنان شدند و همزمان، چیدامبارام وزیر اقتصاد و دارایی هند اعلام کرد که تحقیقات ویژه‌ای در مورد این واقعه دلخراش آغاز شده است. او با اذعان به اینکه ناامنی برای

زنان در اکثر شهرهای بزرگ هند به معضلی جدی تبدیل شده است، از مردم خواست آرامش خود را حفظ کنند و صبر کنند تا تحقیقات روند خود را طی کند و راه حلی مناسب در نظر گرفته شود. وی از تشکیل کمیسیونی تحقیقی که یک قاضی بازنشسته ریاست آنرا بر عهده دارد خبر داد. بدین ترتیب اعتراضات گسترده مردم در هند ادامه دارد.

این اتفاقات بطور واقعی تصویری روشن از وضعیت امروز هند بدست میدهد.

هند چهارمین قدرت اقتصادی جهان

هند امروز عضوی از قدرتهای نوظهور اقتصادی "بریک" است و از آن بعنوان چهارمین کشور اقتصادی بزرگ جهان سخن گفته میشود. در عین حال هند کشوری است با اتکا به نیروی کار ارزان، کارگر خاموش، که در آن هنوز میلیونها تن از مردم در فقر شدید بسر می‌برند. بنا بر آمار هنوز بیش از ۳۴٪ جمعیت این کشور با کمتر از یک دلار در روز و حدود ۸۰٪ مردم آن با کمتر از دو دلار در روز زندگی می‌کنند و بیش از ۳۰ میلیون نفر در این کشور زیر خط فقر زندگی می‌کنند. در این کشور قدرتمند اقتصادی سوء تغذیه کودکان هنوز قربانی می‌گیرد و زنان بسیاری در هنگام زایمان بدلیل ابتلا به ساده ترین بیماریها جان خود را از دست میدهند. در کنار تبعیض آشکار طبقاتی در این کشور تبعیض جنسیتی نیز بیداد میکند.

زنان اقلیت فرودست در کنار تبعیض طبقاتی در هند، تبعیض علیه زن ابعاد زمخت و تکانه‌دهنده ای دارد. این تبعیض و نابرابری را در تمام سطوح اقتصادی، سیاسی،

اجتماعی و فرهنگی در این کشور میتوان دید. در هند شمار زنان نسبت به مردان بسیار کمتر است. در این زمینه آمار مختلفی داده میشود. گفته میشود که تعداد مردان سه یا چهار برابر زنان است. یک دلیل مهم آن اینست که سنت شدیداً مردسالار در این کشور باعث میشود که خانواده‌ها دختران را در حالت جنینی از بین ببرند و تلاش کنند صاحب پسر شوند. به عبارت دیگر هرسال صدها هزار دختر قبل از تولد به قتل میرسند. علاوه بر این بنا بر آمارهای جهانی در این کشور، در ازاء هر ۱۹ درصد تولد ۲۷ درصد مرگ و میر وجود دارد که ظاهراً بیشترین مرگ و میر در میان دخترچه‌های بین سنین ۱ و ۵ سال صورت می‌گیرد. نرخ بالای مرگ و میر زنان نیز عامل دیگری است که منجر به کاهش زنان در جمعیت هند شده است.

در قانون اساسی هند زنان حقوق مساوی با مردان دارند. اما سنت‌های مردسالارانه قوی، همچنان اعمال نفوذ می‌کند و زندگی بخشی از زنان و معیشت جامعه را رقم می‌زنند. از جمله در بسیاری از خانواده‌های پایبند به سنت‌های عقب مانده اجتماعی، پسران برتر از دختران محسوب میشوند و تحقیر زن و دختران جزئی از این سنن و اعتقادات است. می‌گویند مادر یکصد پسر بودن خود یکی از برکات خداوندی در آیین هند محسوب است. بر اساس چنین اعتقاداتی که ظاهراً به قوانین وضع شده توسط مانو در ۲۰۰ سال قبل از میلاد برمیگردد، زن هیچ‌گونه استقلال حتی در خانه شخصی خودش ندارد. بنا بر این سنن زن

ادامه صفحه ۹

# به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید!



## پلشتی "فرزانگان" در سیاست

یاشار سهدی

"قاعدتاً آنچه که زبان خامنه ای در برابر احمدی نژاد را کوتاه کرده، نمی تواند مرتبط با فساد مالی رهبر و اطرافیانش باشد ... حتی افشاکاری در مورد اعتیاد احتمالی رهبر و برخی مشاوران نزدیک او نیز، چیزی بر رسوایی ها نمی افزاید ... حدس می زنم احمدی نژاد به مدارک کافی و غیر قابل انکار دسترسی پیدا کرده است که از فساد اخلاقی خامنه ای در مرادوات شخصی خود پرده بر می دارد" این گفته های مجتبی واحدی مفسر رسمی صدای امریکا، سخنگوی سابق شیخ شجاع و درس خوانده آزادگی در نزد مهدی کروی است. که آن شیخ امانتدار "پولهای امام" فعلاً گرفتار غضب آقا است. این حزب الهی که اکنون صورتش را شیش تیغه میکند در پی یافتن دلایل کوتاه آمدن خامنه ای در برابر احمدی نژاد است و "حدس" میزند که احمدی نژاد پی به "فساد اخلاقی خامنه ای" برده باشد و مدارکی هم در دست دارد برای همین آقا زبانش بریده است و دست به عصا راه میرود تا به وقتش دخل "گماشته" خویش را بیاورد. و این جناب مدعی است "برای آنکه مشخص شود رهبر کدام روش (حذف احمدی نژاد) را انتخاب می کند زمان زیادی لازم نیست. منتظر باشیم."

اصولاً "سیاستمداران" بورژوازی، یا چنان که مسعود بهنود بیان میکنند "تصمیم سازان"، حظ وافری میبرند که "فساد اخلاقی" همدیگر را رو کنند. برای هم توطئه میچینند تا رقیب را در دام

"فساد اخلاقی" بیندازند تا به روزش از آن استفاده کافی برای حذف رقیب بکار برند. این مختص جمهوری اسلامی نیست نمونه های بسیار در تاریخ معاصر وجود دارد که از این حربه علییه همدیگر استفاده کردند تا طرف را رسوای عالم سازند. نمونه مشهور آن بیبل کلینتون و "رسوایی اخلاقی او با کارمند زن کاخ سفید." مجتبی واحدی هم، گویا یک چیزهای میداند اما نمی تواند رو کند. شاید مدارک کافی ندارد یا فعلاً "صلاح" نمیداند آن را بروز دهد. بی شک کسی که نزدیک سه دهه در دفتر یکی از سران اصلی حکومت اسلامی به رتق و فتق امور سر کیسه کردن مردم میپرداخته از خیلی چیزها با خبر است. کربوسی در زمانی که مسئولیت بنیاد شهید از طرف "امام محبوبش" را داشت، شهره عام و خاص بود که از "همسران شهید" سواستفاده جنسی میکرد. راست و دروغش با آنها که گفتند، در یک مورد "شهید سرافراز" زنده از اسارت (در عراق) برمیگردد و به شیخ شجاع در دفترش حمله میکند همانجا که مجتبی واحدی درس آزادگی میدیده. (احتمالاً جناب واحدی این شایعات را شنیده یا دیده بهتر

میتواند بگوید چه خبر بوده!) مواردی این چنین از سوی این "نظریه پردازان" نهایتش سواستفاده از قدرت خوانده میشود که گویا هر انسانی (مردی!) در معرض لغزش قرار دارد. سواستفاده جنسی جرم جنایی است. اما نفوذ در عمق زندگی خصوصی همدیگر و از آن برای رسوا کردن حریف استفاده کردن تبهکاری دیگری است که فقط از دست ایشان برمی آید.

هر وقت پای صحبت این "فرزانگان" بنشینید بی تردید اشاره ای از ایشان در مورد اهمیت اخلاقیات سیاسی خواهید شنید و چنان فرشته ای جلوه میکنند که همه فرشتگان خدا جمع شوند نمی توانند این همه خصایل نیک را یکجا در خود داشته باشند. اما همین اشخاص "محترم" در پوشش همین نزاکت اخلاقی، بی نزاکتترین رفتارها را از خود نشان میدهند. با طرف مشکل دارند از مادر و خواهر و هفت جد مادری طرف سند و شاهد در کف دارند که بالاخره نشان دهند یک جای کار این "خاندان مطهر" لنگ میزده. نمونه مسلم این گونه "فاش گویها" علیرضا نوریزاده است. که هفت جد طرف را

ادامه صفحه ۱۱

## خشم میلیونی در هندوستان علیه سنتهای مردسالار

از صفحه ۸

آور زن به مثابه همسر و دختر است و در نتیجه زن حتی براحتی حق طلاق و جدایی ندارد. این درحالیست که یک مساله جنجالی در رابطه میان زن و مرد جهیزیه است که باز طبق آمار در هر ۹۳ دقیقه یک زن بر سر مسأله جهیزیه سوزانده می شود. گزارشات حاکیست که ترس از تجاوز یکی از موانع مهم حضور زنان در صحنه اجتماعی است. در عرصه اجتماعی نیز زنان از پایه ای ترین حقوق خود محرومند. بطوریکه در بسیاری مواقع حتی کسی ازدواج کنند یا در سنین کودکی به شوهر داده میشوند.

اما امروز هندوستان بیپاخاسته است و علیه این تبعیض ضد انسانی اعلام جنگ کرده است. این جنگ از موضوع تجاوز به یک دختر جوان شروع شده و کل هند را به تکان درآورده است. این واقعت امروز هند است. نکته قابل توجه اینست که وقتی به روند اوضاع جهانی نیز نگاه میکنیم، تغییری قابل توجه در تلقی بشریت از زندگی و معیشت و خواستها و آرمانهایش می بینیم. نان، کرامت، زندگی انسانی، میتوان گفت که امروز دیگر دارند به شعارها و آرمانهایی جهانی تبدیل میشوند. اتفاقات هفته اخیر هند را باید در دل جهان امروز دید. جنبشی عظیم و انسانی علیه تبعیض و نابرابری که جنبش رهایی زن در صف جلوی مبارزات مردم قرار دارد. این آن چیزی است که موجبات نگرانی و وحشت دولت هند نیز شده است.\*

در کودکی تابع پدر و در جوانی تابع همسر است. و وقتی همسر خود را از دست میدهد باید تابع پسرانش باشد. این وضعیت زنان بسیاری را به چنگ فقر و گرسنگی انداخته است. آمار مرگ و میر در میان زنان بالاست. تحت وجود چنین سنن و اعتقاداتی زنان و دختران در قیاس با مردان، هم به لحاظ اجتماعی و هم بخاطر ترس از تجاوز، از امکانات بسیار محدودتری برای آموزش و تحصیل برخوردارند. از جمله گزارش میشود در این کشور جمعیت بالایی از دختران خانواده های کارگری به مدرسه نمیروند. بر اساس قانون اساسی این کشور آموزش ابتدایی برای پسرها و دختران، تا سن ۱۴ سالگی رایگان است. اما آمار نرخ باسوادی در زنان ۳۹ درصد و در مردان ۶۴ درصد است. بسیاری از خانواده ها به دلیل استفاده از کار زنان در خانه و یا به دلیل ترس از سوءاستفاده و مورد تجاوز قرار گرفتن فرزندانشان مانع ادامه تحصیل آنان میشوند. در محیط کار نیز زنان در برابر ساعات طولانی کار دستمزد کمتر میگیرند. گزارشها حاکی از اینست که در سال های اخیر خشونت علیه زنان در هند رو به افزایش گذاشته است. از جمله بنا بر آمارهای منتشر شده در این کشور در هر ۲۶ دقیقه یک زن مورد هتک حرمت قرار می گیرد و در هر ۳۴ دقیقه یک تجاوز جنسی رخ می دهد. در افکار سنتی حاکم بر هند طلاق نشانه شکست شرم

# اساس سوسیالیسم انسان است!

## سردار بی یال و دم و اشکم

### فرح صبری

احمدی مقدم سردار نیروی انتظامی در گفتگو با کیهان بتازگی اظهار نظرهایی کرده است که برآستی باعث تمسخر و خنده ی هر خواننده ای میشود چرا که بیش از پیش نشان میدهد که چگونه سرداران نیروی انتظامی که قرار بود با خونت و بیرحمی باعث هراساندن و مرعوب کردن مردم باشند موجب خنده و تمسخر میباشند. احمدی مقدم در این گفتگو در باره موضوعات مختلف اعلام نظر میکند از جمله با صحبت در باره امنیت میگوید که: "امنیت نسبی است" و بستگی به "معیارهای ارزشی" هر خانواده دارد. البته خواننده به خاطر میآورد که اخیراً با دستگیری افرادی تحت عنوان "زورگیر" که در پایتخت به زورگیری از مردم میپرداختند، در ابتدا تلاش کردند اینطور وانمود کنند که کنترل خوبی در شهر دارند و حریف هر جنبنده ای هستند اما طولی نکشید که این موضوع به تف سربالا برای رژیم بدل شد که باید به زور غورت میداد چرا که معلوم شد که تمام یال و کوپال این رژیم برای سرکوب مردم انقلابی که میخواهند سر به تن این رژیم نباشد سازمان داده شده است نه تامین امنیت برای شهروندان. پخش ویدئو کلیپ های زورگیری در تهران نشان دهنده وضعیت نابسامان پایتخت دارد. او سعی میکند اینطور القا کند که امنیت در ایران نسبت به اروپا بیشتر است و میگوید: "تهران را مقایسه کنیم با پایتخت یک کشور اروپایی. ساعت ۷ بعد از ظهر ببینید چقدر جمعیت در خیابان های یک کشور

اروپایی در حال قدم زدن هستند. خواهید دید که بسیار اندک هستند. اما در خیابان های ما اینطور نیست؛ تا نیمه شب هم انبوه جمعیت در خیابان های تهران در حال آمد و شد هستند. احساس ناامنی هم نمی کنند." باید گفت بله جناب سردار مردم تهران تا پاسی از شب در رفت و آمد هستند نه از سر خوشی و محض تفریح بلکه لنگ لقمه نانشان هستند و تا دیر وقت مشغول سگ دو زدن میباشند و بخصوص زنان و دختران جوان با همه ناامنی که هست مجبورند تا دیر وقت سر کار باشند. ایشان در ادامه از رسانه ها گلّه میکنند که چرا موضوع حوادث را پررنگ انعکاس میدهند و به روزنامه "شوک" اشاره میکنند. و جالب این است که این موضوع را هم با کشور های اروپایی مقایسه میکنند و معلوم نیست از کی تا به حال این سرداران اسلام تا این اندازه جهان محور شده اند که خود را با بلا کفر مقایسه میکنند! اما اتفاقاً واقعا باید دید چرا حوادث در ایران تا این اندازه مهم است و در اخبار همه گیر میشود هر چند که باید گفت در هر جامعه ای حوادث اتفاق افتاده ریشه در ساختار های عمیق دارد اما در ایران تحت حکومت جمهوری اسلامی موضوع هر حادثه تنها یک مورد اتفاق نیست و زندگی عده زیادی از جامعه با یک حادثه خاص گره خورده است و مردم زیادی، زندگی خودشان را تحت تاثیر این حوادث پیش آمده میبینند و برای همین است که حوادث همیشه پررنگ میشود و مورد توجه قرار میگیرد و این تقصیر رسانه ها نیست هر چند هم

که کل دم و دستگاه سرکوب بخواهد از انعکاس اخبار جلوگیری کنند نمیتوانند از نگاه تیز مردم در امان بمانند. احمدی مقدم در ادامه گفتگوش مفتضحانه سعی میکند از برخی نسبتهایی که در این چند سال اخیر گریبانش را گرفته بود و موضوع تمسخر و جوك مردم کوچه و بازار شده بود، اعلام براءت کند و از آن جمله ماجرای "گشتهای نسبت" است. باید به آقای احمدی مقدم یادآوری کرد که هنوز جوکهایی که مردم برای جریمه لاک ناخنها به یکدیگر اس ام اس میکردند در گوشیهای موبایلشان باقی است چطور میتوانید تا این اندازه بیشرم باشید؟ فراموش کردید گلّه های اوباشتان را با ماشین های ون سر چهارراهها بسیج میکردید تا ناخن ها را ببینید که لاک دارد یاخیر؟ حال میگویید من نبودم دستم بود؟ البته باید به این سردار با نبوغ اسلام تبریک گفت که بعد از بررسی شکستهای قبلیشان در طرحهای امنیت اجتماعی، به پیشنهاد مسخره آقای رئیس جمهور پیشاپیش اعلام شکست کند و اعتراف کند که این طرحها راه به جایی نمیرد و میگوید: "بنده همان جا به آقای احمدی نژاد با توجه دادن به آن سابقه عرض کردم که "گشت نسبت" برای ما درست کردند با این پیشنهاد شما فردا "گشت نیت" را هم به ما می بندند". احمدی مقدم مفتضحانه به نتیجه گفتگوی بیحاصلش با احمدی نژاد اشاره میکند که بعد از بررسی شکستهای گذشته به این نتیجه میرسند که حداقل فتنه ها را پایین بکشند و موضوعات را

خیلی رسانه ای نکنند! احمدی مقدم در آخر با اشاره به افتضاح دیگری که در ماجرای قتل ستار بهشتی کارگر وبلاگ نویس گریبان نیروی انتظامی را گرفت اشاره کرده و تلاش میکند موضوع را فرمالیته کند و با بازی الفاظ موضوع بازداشتگاههای متنوع نیروی انتظامی و وجود شکنجه های وحشیانه این جانیان را از گردنش باز کند. اما باید گفت بسیار تلاش کردید با رسانه ای کردن چگونگی رفتارشان با زندانیان و اسم بردن از شکنجه های مختلف در بازداشتگاههای پلیس امنیت رعب و وحشت در دل مردم بیاندازید و دیدید که مثل گذشته نتیجه عکس گرفتید، پرونده ستار و رفتار شجاعانه خانواده دردمند ستار و مردم بار دیگر شما را در یک مهلکه ی دیگر که به دست خودتان ساخته شده بود گرفتار کرد. و اما دعای آخر نماز سردار اسلام مثل دیگر همپالکیهایش "فتنه ۸۸" است که مانند یک کابوس از آن یاد میکند، کابوسی که رهبرشان را به گریه انداخت و دوباره دستش را رو میکند که دیگر بیش از آن از دستشان بر نمیآید!

باید گفت از این شیر بی یال و دم و اشکم دیگر چیزی نمانده! وقتی سردار احمدی مقدم با آن همه دم و دستگاه راه پس و پیش خودش را گم کرده است دیگر نمیداند چه بکند که شکست دیگری بر گرفته اش نخواست و مفتضح تر نشود. ولی این سرنوشت همه دیکتاتور ها در نفسهای آخرشان است و این افتضاح در مورد جمهوری اسلامی همانند دیگر ویژگیهایش منحصر به فرد است! آقای سردار اشکال از شما نیست. ما هم کاملاً یقین داریم شما هر چه توانستید انجام دادید مشکل اینجاست که شما با یک انقلاب مواجه هستید. انقلابی که توده های وسیع مردم آن را به پیش میبرند برای همین است که تمام طرحهایتان به شکست میرسد و هراز گاهی باید در مقابل مردم معذرت خواهی کنید و به اصطلاح این دستتان به دست دیگرتان میگوید غلط اضافه نکن! ولی این سرگردانی شما را نیز حل خواهیم کرد به قدرت انقلاب مردم تمام دم و دستگاه سرکوبتان را درهم میشکنیم و شما راه میز محاکمه میکشانیم! زنده باد انقلاب!\*

**کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس**

**ترجمه جمشید هادیان**

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا :  
 یانک یزدی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۰۱-۴۱۶-۷۵۹-۳۳۶۶  
 ۰۱-۴۱۶-۴۷۱-۷۱۳۸  
 ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (غرب کانادا - ونکوور) : تلفن : ۰۱-۶۰۴-۲۷۲-۸۹۸۶  
 ایمیل : zariasli@yahoo.ca

در اروپا یا  
 انتشارات نسیم: تلفن : ۰۰۴۶-۷۲۳۳۹۳۹۱۷۰  
 ایمیل : nasim.info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان) : تلفن : ۰۰۴۴-۷۹۵۰۹۲۴۴۲۳  
 ایمیل : jalliliuk@yahoo.com

مهین کوشا (آلمان) : تلفن : ۰۰۴۹-۱۷۳۲۵۷۰۵۴۹  
 ایمیل : mahinkusha@t-online.de

**کارل مارکس**

**سرمایه**

(کا پیتال)

ترجمه جمشید هادیان

مجله اول

ترجمه جمشید هادیان

# جمهوری سوسیالیستی، جمهوری انسانی است!

## پلشتی "فرزانگان" در سیاست

از صفحه ۹

بیرون میکشد تا شنونده اش حالی کند طرف يك جورهای "حرامزاده" است و نسبش به "زنان خیابانی"، یا يك "زن هندو" که معلوم نیست بابا و ننه اش کی بودند، میرسد. واحدی ها و نوریزاده ها بزرگ شده يك مکتب خاص هستند گیرم یکی با "بسمه الله" کلامش را شروع میکنند و دیگر با درود بیکران. هر دو طیف اما لذت خاصی میبرند که مسائل جنسی حریفان را رو کنند. یکی از شیوه های شنیع شکنجه در جمهوری اسلامی ایضا همه دولت‌های معاصر دنیا، دست اندازی کردن به خصوصی ترین لحظات زندگی مردم است. مجتبی واحدی در همین مکتب (شکنجه و تحقیر انسانها) رشد کرده بی شك او هم شیوه های گوناگون بهره بردن از این موارد بخوبی بلد است، همین نوشته اخیر آن گویای آن است منتها الان دارد ادای آدمهای متمدن را در می آورد و چقدر هم مضحك. او هنوز نفهمیده که بسم الله گفتن يك مفسر سیاسی در شروع سخنان اش نشان از این دارد که گوینده آن مرتجع ترین آدم روی زمین است.

و این آدمها برایشان "فساد اخلاقی" (اسم رمز دانستن مسایل بی نهایت خصوصی دیگران) بسیار جذاب و فریبنده است. هم از

شنیدن و هم از بیان آن لذت عجیبی میبرند و هم حریف را به زمین میکوبند چون حریف هیچ دست کمی از او ندارد. اما همین اشخاص يكصدا میگویند جامعه ایران رو به انحطاط است چون در مسایل خصوصی هم دخالت میکنند! بیاد بیاوریم چند سال پیش فیلمی بسیار خصوصی وشخصی یکی از هنرپیشگان سیمای جمهوری اسلامی دست به دست گشت و به شدت تکثیر شد همه این فرزانگان این را نشانه این دانستند که جامعه رو به انحطاط است اما هیچ به روی خودشان نمی آورند که خود مدام به این مسایل دامن میزنند و به شدت جامعه را ترغیب میکنند که مسایل جنسی بی اخلاق ترین مسایل روی زمین است. بد

نیست اشاره کنم که چندی پیش خاطرات "مقام امنیتی" منتشر شده بود، مدیر "تلویزیون اندیشه" که در مورد آن کتاب برنامه داشت بر قسمتهای از خاطرات تاکید داشت که ساواک برای آوندهای که اکنون مقامی در جمهوری اسلامی داشتند "دام جنسی" گذاشته بود و این مدیر فرزانه با اتکا به خاطرات يك شکنجه گر میخواست قاتلان دیگری را رسوا سازد. این عالمان دانشگاه رفته و دکترا گرفته از طبیعی ترین رفتار انسانها و وقتی که اساسش بر عشق و دوستی عمیق باشد، انسانی ترین اتفاق میان انسانها است چنان جرثومه ای از فساد درست کردند که هر کس در خلوت خود به آن فکر میکند، تصور میکند بزرگترین خطای زندگی اش را مرتکب شده است. برای

همین دام جنسی يك دستگاہ جهنمی به نام ساواک جذاب میگردد و فساد اخلاقی خامنه ای بزرگ میشود و سعی میگردد رمز گشایی گردد و جامعه تشنه نگه دارند که آن پشتهها چه خبر است! ایشان نمی خواهند به این اشاره کنند که اگر آقا کوتاه آمده دستش زیر سنگ است. احمدی نژاد را يك شبه حذف کند باید خیلی چیزهای دیگر را هم با او کنار بگذارد چرا که در همین اوضاع و احوال شیرازه امور از دست آقا در رفته وای به روزی که بخواهد به ناگهان "گماشته" خود را سر به نیست کند. شاید احمدی نژاد اسنادی از رسوایی آقا داشته باشد این "مدارک" اما فقط به درد کسانی میخورد که مسایل اصلی جامعه را میخواهند بپوشانند و مثلا شیخ شجاع، شیخ اصلاحات،

شیخ معتدل را به جامعه بفروشد و تنها امتیاز ایشان از خامنه ای گویا این است "اقلاینها از این مسایل پاك هستند." هدف نجات شیرازه اصلی نظام است. هدف خاک پاشیدن به چشم توده مردم است. هدف به بن بست کشاندن مبارزات مردم است. هدف این است که يك دوره دیگر از سود آوری سرمایه در پناه يك دیکتاتور (اینبار اما شاید پاك!) تضمین گردد. بی جهت نیست توده مردم میگویند "سیاست چیز کثیفه"، البته این هم نتیجه کوشش همین اخلاقیون سیاسی است، حقیقت اما این است که سیاست بورژوازی بر اساس کثافت کاری است چون هدف بهره کشی از ۹۹ درصد جامعه است و برای اینکار کار باید هم دست به هر کار پلشتی بزنند.\*

توجه

توجه

فرکانس پخش کانال جدید تغییر کرده است

مشخصات ماهواره هات برد ۸:

فرکانس ۱۱۶۴۲

اف ای سی ۵/۶، افقی

سیمبل ریت ۲۷۵۰۰

شبکه kurd channel



## به تشدید فشار بر روی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در زندان وسیعاً اعتراض کنیم.

### اطلاعیه شماره ۷۹

رضا شهابی در اعتصاب غذا

بسر میبرد

بهنام ابراهیم زاده به سلول

انفرادی منتقل شد

پدرام نصرالهی ممنوع

الاملاقات است

۵ فعال کارگری در بوکان

دستگیر شدند

فرزندان محمد جراحی زیر

تهدید و فشار

رضا شهابی در اعتصاب غذا

به سر میبرد



پاسیار مربوطه در راه انتقال رضا شهابی از بیمارستان به زندان، با تهدید او گفته است که: "شما منافق و ضد انقلاب هستید و خودتان را به مرضی می زنید و بیخودی خرج روی دست ما می گذارید." او همچنین به رضا شهابی گفته است که: "یک آشی برایت بپزم و بلایی به سرت بیآورم که فراموش نشود." رضا شهابی علاوه بر وضعیت گردن و کمر از مشکل فشار خون نیز رنج می برد و مرتب بر اثر همین مشکل دچار خون دماغ می شود که با قطع دارو و اعتصاب غذا، وضعیت جسمی او به خطر جدی خواهد افتاد. جان رضا شهابی در خطر است. جمهوری اسلامی در قبال جان او مسول است. رضا شهابی باید فوراً از زندان آزاد شود.

### دستگیری ۴ نفر از فعالین کارگری در بوکان

بنا بر گزارش منتشر شده از سوی "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری" عصر روز چهارشنبه ۲۹ آذر نیروهای امنیتی و لباس شخصی اطلاعات در شهر بوکان به منزل چهار نفر از اعضای این کمیته به اسمی جمال مینا شیری، ابراهیم مصطفی پور، قاسم مصطفی پور و هادی تنومند یورش برده و با ضبط وسایل شخصی و بازرسی منازلشان، آنان را بازداشت و به اداره اطلاعات شهر بوکان منتقل کردند. همچنین در همین روز محمد کریمی یکی دیگر از اعضای این کمیته توسط نیروهای اطلاعات شهر بوکان دستگیر و به مکان نامعلومی برده شد. در همین رابطه خانواده افراد دستگیر شده به اداره اطلاعات مراجعه و خواستار آزادی عزیزانشان شدند.

همچنین روز سوم دیماه نیز توسط خانواده این کارگران در مقابل اداره اطلاعات بوکان تجمع اعتراضی برپا شد. در پی تجمع این روز به فرزند ابراهیم مصطفی پور اجازه داده شد که با پدرش ملاقات کند. سپس مامورین اطلاعات کوشیدند خانواده های کارگران زندانی را از محل متفرق کنند. اما خانواده تصمیم گرفتند به دادستانی مراجعه کنند. در آنجا به آنان گفته شد که برای این کارگران ۷ روز قرار بازداشت صادر شده است. خانواده ها اعلام کردند که تا آزادی عزیزانشان از زندان به تجمعات خود ادامه خواهند داد.

### پدرام نصرالهی ممنوع الاملاقات شد. جانینان اسلامی برای سومین بار او را محاکمه کردند



بنا بر گزارشات منتشر شده روز ۳۰ آذر، کارگزاران زندان مرکزی شهر سنندج، برای سومین بار متوالی طی یک ماه گذشته، پدرام نصرالهی عضو کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری را به دادگاه بردند. طبق اخبار کمیته ی هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکلهای کارگری روز دوشنبه ۲۷ آذرماه نیز به خانواده پدرام نصرالهی آنها گفته شده که پدرام را به سلول انفرادی انتقال داده اند و تا زمانی که قاضی پرونده

دستور ندهد ممنوع الملاقات می باشد. دادگاه تجدید نظر حکم ۱۹ ماه زندان صادره پدرام نصرالهی را تایید و وی در تاریخ ۹۱/۸/۲۴ پس از مراجعه به دادگاه بازداشت شد.

### بهنام ابراهیم زاده به سلول انفرادی منتقل شد



بنا بر خبر منتشر شده از سوی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری روز سه شنبه مورخه ۲۷ آذر ماه بهنام ابراهیم زاده عضو این کمیته و فعال دفاع از حقوق کودک به سلول انفرادی منتقل شد. این موضوع موجب نگرانی خانواده وی و همکاران و دوستانش شده است. انتقال زندانیان به سلول انفرادی تشدید فشار و شکنجه بر روی آنان است. بهنام ابراهیم زاده ۵ سال حکم زندان دارد.

### خانواده محمد جراحی زیر تهدید و فشار



بنا به خبر منتشر شده از سوی کمیته پیگیری ایجاد تشکلهای کارگری مدتی است که پلیس رژیم

اسلامی با لباس فرم و یا بصورت لباس شخصی فرزندان محمد جراحی عضو این کمیته را که هم اکنون ۱۵ ماه است در زندان بسر میبرد، تحت عناوین مختلف زیر فشارهای روحی و روانی قرار داده است. پلیس در تلاش است تا با چنین فشارهایی محمد جراحی را زیر فشار و شکنجه بیشتر قرار دهد. خانواده محمد جراحی به حمایت وسیع و پشتیبانی ما نیاز دارد. محمد جراحی ۵ سال حکم زندان دارد.

علاوه بر این کارگران هم اکنون شاهرخ زمانی عضو کمیته پیگیری برای ایجاد تشکلهای کارگری با ۱۱ سال حکم و رسول بداعی عضو کانون صنفی معلمان با ۶ زندان حکم در بازداشت بسر میبرند. عبدالرضا قنبری یکی از معلمان معترض نیز بخاطر شرکت در تظاهرات ۶ دی ۸۸ خطر حکم اعدام بر روی سرش قرار داد. همچنین فعالین سیاسی بسیاری بخاطر مبارزاتشان در زندانند. همه کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی باید فوراً از زندان آزاد شوند.

با اعتراضی جهانی باید به تشدید فشار بر روی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی وسیعاً اعتراض کنیم. خواستار توقف فوری دستگیری و تهدید فعالین و رهبران کارگری شویم. هم اکنون نمونه های خوبی از اعتراض و همبستگی در حمایت از کارگران زندانی و زندانیان سیاسی را در ایران و در سطح جهانی شاهدیم. کارگران زندانی از درون زندان، از جمله شاهرخ زمانی حمایت خود را از اعتراض رضا شهابی اعلام کرده است. ۳۷۷ تن از فعالین



## اعتصابات و تجمعات اعتراضی کارگران در ابعادی وسیع ادامه دارد



### تجمعات اعتراضی کارگران بازنشسته صنایع فلزی تهران

روز ۵ دیماه کارگران بازنشسته صنایع فلزی شماره یک و دو در مقابل استانداری تهران دست به تجمع اعتراضی زدند و خواهان پرداخت سنوات و عملی کردن وعده های مسئولین استانداری شدند.

طبق گزارشی که اتحادیه آزاد کارگران ایران منتشر کرده است، در تجمع کارگران بازنشسته صنایع فلزی تهران در روز ۲۳ آبانماه، مسئولین استانداری به آنان وعده دادند حداکثر ظرف مدت یکماه مالکین را وادار به پرداخت سنوات کارگران خواهند کرد و چنانچه اینکار انجام نشود خود استانداری راسا از محل تسهیلات استانداری سنوات کارگران را پرداخت خواهد نمود اما پس از گذشت بیش از چهار روز از این وعده ها و پیگیری نماینده های کارگران در این مدت، خبری از تحقق وعده ها نشد و کارگران روز ۴ دیماه با برگزاری مجمعی در محل کارخانه و شنیدن گزارش نماینده های خود تصمیم به تجمع در مقابل

استانداری تهران در روز ۵ دیماه گرفتند. کارگران در این تجمع پلاکارد بزرگی در دست داشتند که در آن نوشته بودند: ما کارگران بازنشسته صنایع فلزی بیش از سه سال است سنوات خود را دریافت نکرده ایم.

از آنجا که جواب روشنی به کارگران داده نشد کارگران تصمیم گرفتند که روز بعد در محل کارخانه تجمع کنند و اگر پاسخ عملی به خواست های آنها داده نشد به سمت استانداری حرکت کنند.

طبق این گزارش حدود ششصد کارگر شاغل کارخانه های صنایع فلزی شماره ۱ و ۲ نیز مدت دو ماه است دستمزدهای خود را دریافت نکرده اند.

طبق گزارشات منتشر شده، ۳۰۰ کارگر پتروشیمی فجر وابسته به شرکت پیماکاری رامپکو در اعتراض به اجرا نشدن قرارداد مستقیم و عدم پرداخت مزایایی که پیشتر قول آنها داده شده بود،

دست از کار کشیدند.

کارگران کارخانه پتروشیمی امیرکبیر نیز چندین روز متوالی در اعتراض به حراست کارخانه که به ۴۰۰ کارگر این کارخانه اجازه ورود به کارخانه را نمیداد دست به تحصن در مقابل فرمانداری ماهشهر و در مقابل کارخانه زدند. مزدوران حراست این کارخانه در حال حاضر و از روز پنجشنبه ۳۰ آذر به ۳۵ نفر از کارگران که در این اعتراضات فعال بودند اجازه ورود به محل

کار را نمیدهند.

### بازنشستگان شرکت زغال سنگ کوهبنان خواستار پرداخت مطالبات شدند

طی ماههای گذشته تعداد کثیری از بازنشستگان شرکت زغال سنگ کوهبنان خواهان پرداخت فوری سه ماه حقوق معوقه و سایر خود شدند. یکی از بازنشستگان شرکت زغال سنگ میگوید: "جوانی و شادابی خود را در اعماق زمین سپری کردیم به امید اینکه در دوران پیری و کهولت از حقوق و مزایایی برای گذران زندگی برخوردار باشیم، اما به دلیل نپرداختن حقوق قدرت خرید ما به صفر رسیده و وضعیت اقتصادی ما بسیار اسفبار است."

### کارگران بازنشسته ذوب آهن اصفهان خواهان پرداخت فوری حقوق های معوقه خود هستند

حقوق آبان و آذر کارگران هنوز پرداخت شده و با احتساب حقوق دیماه کارگران سه ماه حقوق

طلب دارند. یکی از کارگران میگوید: "بعد از یک عمر کار سخت و خطرناک در کارخانه ذوب آهن اصفهان توقع داشتیم دوران بازنشستگی را با خیال راحت بگذرانیم اما باید برای "چندرغاز" حقوق هر روز در سرما و گرما خیابان ها را ببینیم تا شاید یکی به حرفمان گوش دهد!"

### کارگران کارخانه قند اهواز ۲۲ ماه حقوق خود را میخواهند

همزمان با حضور احمدی نژاد در اهواز برای افتتاح یک کارخانه قند و نیشکر در روز سه شنبه ۵ دیماه، تعدادی از کارگران کارخانه قند اهواز با در دست داشتن پلاکاردی خواهان پرداخت ۲۲ ماه دستمزد معوقه خود شدند و در پلاکارد دیگری بی توجهی استاندار خوزستان به معضلات خود را محکوم کردند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ دیماه ۱۳۹۱  
۲۶ دسامبر ۲۰۱۲



# انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!

## حراست کارخانه ها باید منحل شود از ۳۵ کارگر پتروشیمی امیرکبیر حمایت کنیم

### رفاه و خوشبختی همین امروز ممکن است

عامل فقر جمهوری اسلامی و نظام کثیف سرمایه داری است. با سرنگونی این حکومت و با مصادره اموالی که سران رژیم، آیت اله ها، رانت خواران و میلیاردرها غارت کرده اند، میتوان بلافاصله آب و برق و گاز و طب و آموزش و پرورش را برای همه جامعه رایگان کرد. با میلیاردها دلاری که هر ماه صرف زندان و سرکوبگران میشود میتوان برای همه مردم مسکن مناسب ساخت. با کوتاه کردن دست امام جمعه ها و موسسات مذهبی از خزانه مملکت میتوان زندگی شاد و انسانی برای همه کودکان فراهم کرد. نیروی کار و متخصص و منابع و امکانات کافی برای خوشبختی همه مردم وجود دارد. باید جمهوری اسلامی را از سر راه برداشت.

برای سرنگونی جمهوری اسلامی و ایجاد جامعه ای انسانی،  
برای تحقق رفاه و آزادی و برابری،  
به حزب کمونیست کارگری پیوندید!

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

تلفن تماس با حزب کمونیست کارگری ایران  
۰۰۴۷۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
کانال جدید را به دیگران معرفی کنید.

همکار خود قاطعانه حمایت کنند. نقطه قوت هزاران کارگر پتروشیمی های ماهشهر مبارزات یکپارچه و متحد آنها برای برچیدن بساط پیمانکاران و عقد قرارداد مستقیم با وزارت نفت بوده و وزارت اطلاعات میخواهد با تحت فشار قرار دادن کارگران فعال در این مجتمع این اتحاد را در هم بشکنند. اتحاد و یکپارچگی کارگران پتروشیمی های ماهشهر یک سرمایه بزرگ کارگران برای مقابله با طرح های ضد کارگری و برای تحقق خواست های بحق کارگران است و باید با حمایت از یکدیگر این اتحاد محکم تر و عمیق تر شود.

بساط حراست از کارخانه ها،  
دانشگاهها و از همه باید جمع شود

حزب کمونیست کارگری ایران  
۶ دیماه ۱۳۹۱، ۲۶ دسامبر  
۲۰۱۲

کارگران در مقابل مجتمع پتروشیمی امیرکبیر دست به تجمع میزدند اما این اعتراضات در پایان ۲۹ آذر با ترفندهای خاصی پایان یافت و از روز پنجشنبه ۳۰ آذر به ۳۵ نفر از کارگران که در این اعتراضات فعال بودند اجازه ورود به محل کار را نمیدهند.

حزب کمونیست کارگری ضمن محکوم کردن اقدام سرکوبگرانه اداره حراست پتروشیمی ماهشهر، بار دیگر تاکید میکند که حراست ارگان جاسوسی و سرکوب وزارت کثیف اطلاعات در کارخانه ها و دانشگاهها و محل های کار است و باید همه جا منحل شود. این ماموران حراست هستند که نباید به کارخانه راه داده شوند.

حزب از کارگران پتروشیمی امیرکبیر و کارگران کلیه پتروشیمی های ماهشهر میخواهد که متحد و یکپارچه از ۳۵ کارگر

به گزارش خبرگزاری ایلنا، وابسته به جمهوری اسلامی، ماموران حراست مجتمع پتروشیمی امیرکبیر در ماهشهر به ۳۵ نفر از کارگران این کارخانه اجازت ورود به محل کار خود را نمی دهند و به آنان می گویند قرارداد شما گم شده است. بنا به این گزارش پنجشنبه ۲ هفته پیش یعنی ۲۳ آذرماه، حراست پتروشیمی امیر کبیر از ورود بیش از ۴۰۰ نفر از پرسنلی که قرارداد خود را با بهره گیری از ماده ۱۴۲ قانون کار با شرکت پیمانکاری SPC (تعمیرات و نگهداری صنایع فارس) امضا نکرده بودند جلوگیری کرد. کارگران نیز در اعتراض به این عمل دست به اعتراض زدند و در مقابل فرمانداری منطقه ویژه ماهشهر تحصن کردند. این تحصن در مقابل فرمانداری روز شنبه مورخ ۲۵ آذر بار دیگر تکرار شد و در روزهای بعد تا تاریخ ۲۹ آذر،

### به تشدید فشار بر روی فعالین کارگری و زندانیان سیاسی در زندان وسیعا اعتراض کنیم.

کنید.  
کمپین برای آزادی کارگران زندانی  
شها دانشفر  
Shahla\_daneshfar@yahoo.com  
بهرام سروش  
Bah-ram.Soroush@gmail.com  
http://free-them-now.blogspot.com  
۹۱ دی ۶  
۲۶ دسامبر ۲۰۱۲

«سولیدر» و «او ان اس آ» در اعتراض به وضعیت رضا شهابی و کارگران زندانی در ایران خطاب به رئیس قوه قضائیه جمهوری اسلامی نامه ای ارسال شده است. این فشارها را باید ادامه داد و تشدید کرد. کمپین برای آزادی کارگران زندانی به سهم خود تلاش دارد صدای اعتراض کارگران زندانی و زندانیان سیاسی در سطح جهان باشد. به هر شکل که میتوانید با این کمپین همکاری

سیاسی طی نامه ای در باره وضعیت رضا شهابی و دیگر فعالین کارگری اظهار نگرانی کرده و خواهان آزادی فوری وی از زندان شده اند، فدراسیون جهانی کارگران حمل و نقل طی نامه ای اعتراضی نگرانی خود را نسبت به وضعیت رضا شهابی اعلام داشته و خواستار آزادی فوری وی از زندان شده است. از سوی سندیکاهای «س اف د ت»، «ث ژ ت»، «اف اس او»،

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)

سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)

سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)

نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)

### انترناسیونال

#### نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی: نازیلا صادقی

ای میل: [anternasional@yahoo.com](mailto:anternasional@yahoo.com)

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

**مرگ بر جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!**